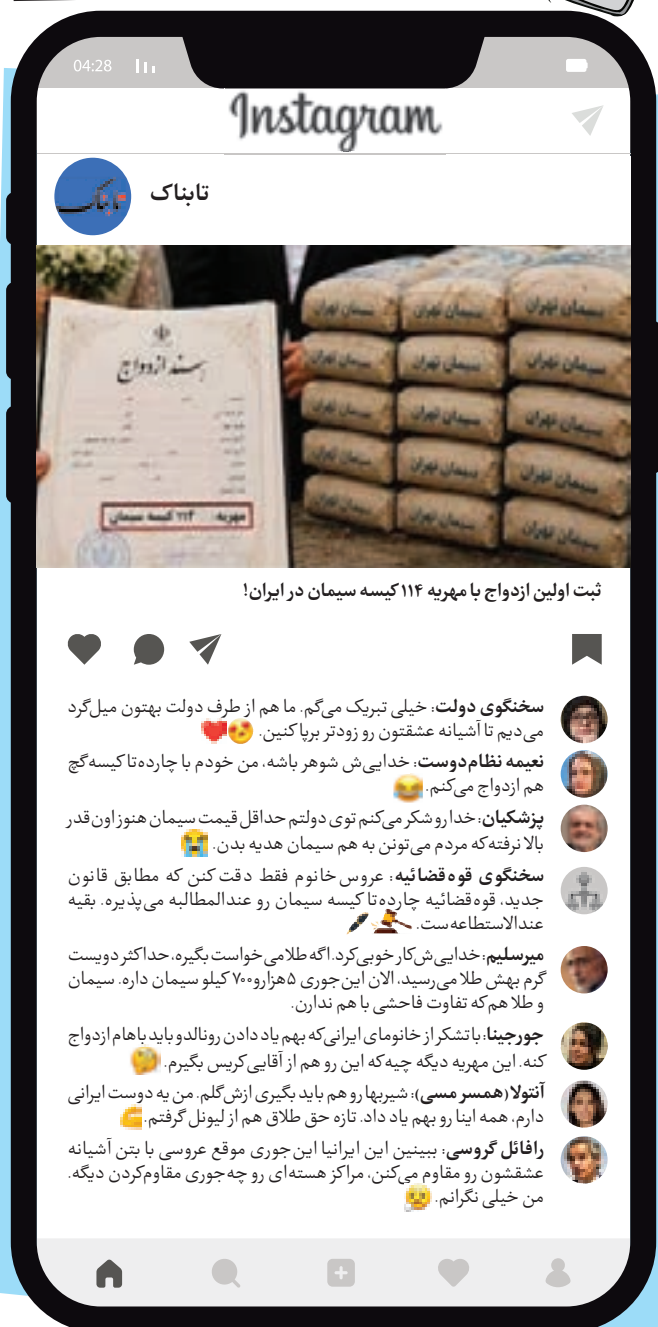


گوشتم بدهکار نیست!

روزهای من عجیب آغاز می شود. هر روز که از خواب پا می شوم، یک چیز را ندارم، دوباره فردایش دارم! فراتر از چیزهایی که همیشه نداشتم! پول، مقام، تحصیلات، دوست، رو، آبرو، جنم و هر حرف زشتی که به ذهنتان می رسد! این ها را هیچ وقت نداشتم! ولی مدتی است که هر روز چیز دیگری غیر از این ها ندارم و فردا آن را دوباره دارم! و به جای آن، باز یک چیز دیگر ندارم! ولی همه این ها نشانه است! از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان، من آدم نشانه بازی هستم!

مثلا امروز صبح، شنوایی ام را از دست دادم! گوشتم دیگر چیزی نمی شنید. من به عادت همیشگی صبح ها، پیچ رادیو را باز کردم تا ببینم چشمان ما که دیشب بسته بوده، جای خاصی باز شده است؟ مثلا تنگه هرمز یا دهان ترامپ. که لازم باشد ببندیمش یا نه، که دیدم چیزی پخش نمی کند. چند بار توی سر رادیو زدم، دیدم نه، صدایی ازش در نمی آید. نوری از موبایلم به چشمم خورد. چند تا میس کال داشتم. نفر بعدی داشت زنگ می زد، طلبکارم بود. ولی صدایش نمی آمد! می داند گوشت من بدهکار حرف هایش نیست! چون فکر کردم قطعی از خود خط باشد، با خودم گفتم اپراتورهای تلفن همراهان آن قدرها هم که می گویند، بد نیستند! البته پرداخت نشدن قبض و یک طرفه شدن خط هم آن قدرها بد نیست! از آن طرف تعجب کردم چرا صدای همسر و بچه هایم نمی آید! نکند گاز گرفتگی از بخاری ها باشد در

اوج تابستان؟! بعد دیدم همسر با چهره ای عصبانی و داد زنان دارد جلو می آید! گفتم حتما کابوس دیده! یا باز با مادرم تلفنی صحبت کرده است! آخر، آن وقت صبح؟! صبح زود مگر می شود کابوس دید؟! تازه آن وقت بود که فهمیدم چیزی نمی شنوم. همسر روی کاغذ برایم نوشته بود که چندبار صدایت زدم، یک مرگیت شده حتما! من هم نوشتن خوبی اش این است که سرعت نوشتن غرهایت به سرعت گفتنش نمی رسد! او هم ناراحت شد و رفت که زنگ بزند به مادرم و گله و گله گذاری. نمی داند که هنوز سمعک مادرم را درست نکرده ام! بی صدا شده بودم، ولی خب باید می رفتم سرکار پس تصمیم گرفتم هدفون عروسکی دخترم را بزنم که مثلا دارم موسیقی گوش می کنم و صدای کسی را نمی شنوم! داخل تا کسی اینترنتی، گلا یه های راننده از گرانی و هزینه تعمیر خودرو و تحلیل های صدمن کاشکی یک گازش را نشنیدم، بوق های بی موردش برای بقیه را نیز و در اداره، تمسخر پاسکاری های ارباب رجوع توسط همکارانم را و اخبار تکراری تلویزیون در هنگام صرف ناهار در اداره رانیز ولی در پایان همان روز، همکار نزدیکم که فقط او از ماجرا باخبر شده بود، گفت رئیس مرا خواسته و قرار است مأموریت مهمی به من محول کند. رفتم اتاق رئیس اداره و با حدس و گمان بله و خیر گفتم و موفقیت ها و شکست های احتمالی اش در این پروژه را شانسی تقبیح و تحسین کردم! و در نهایت مأموریت را قبول کردم! و چندین برگیه به من داد و از اتاق آمدم بیرون! (ادامه دارد...)



سختگوی دولت: خیلی تبریک می گم. ما هم از طرف دولت بهتون میل گرد می دیم تا آشیانه عشقتون رو زودتر برپا کنین. ❤️👍

نعمیه نظام دوست: خدایی ش شوهر باشه، من خودم با چارده تا کیسه گچ هم ازدواج می کنم. 🧱

پزشکیان: خدا رو شکر می کنم توی دولتم حداقل قیمت سیمان هنوز اون قدر بالا نرفته که مردم می تونن به هم سیمان هدیه بدن. 🏠

سختگوی قوه قضائیه: عروس خانوم فقط دقت کن که مطابق قانون جدید، قوه قضائیه چارده تا کیسه سیمان رو عندالمطالبه می پذیره. بقیه عندالاستطاعه ست. ⚖️

میرسلیم: خدایی ش کار خوبی کرد. اگه طلا می خواست بگیره، حداکثر دویست گرم بهش طلا می رسید. الان این جوری ۷۰۰ هزار و ۷۰۰ کیلو سیمان داره. سیمان و طلا هم که تفاوت فاحشی با هم ندارن.

جورجینا: باتشکر از خانومای ایرانی که بهم یاد دادن رونالدو باید باهام ازدواج کنه. این مهریه دیگه چیه که این رو هم از آقای کریس بگیرم. 🏆

آتولا (همسر مسی): شیربهارو هم باید بگیری از ش گلم. من به دوست ایرانی دارم، همه اینا رو بهم یاد داد. تازه حق طلاق هم از لیونل گرفتم. 🏠

رافائل گروسی: ببینین این ایرانی این جوری موقع عروسی با بتن آشیانه عشقتون رو مقاوم می کنن. مراکز هسته ای رو چه جوری مقاوم کردن دیگه. من خیلی نگرانم. 🇮🇷

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

خبرنگار: گرانی ها را کمی توضیح می دهید؟
سخنگوی دولت: گرانی ها قبلا توضیح داده شده؛ گرانی ها ناشی از فشار اقتصادی است.



خبرنگار: درباره سقوط ارزش پول کمی توضیح می دهید؟
رئیس بانک مرکزی: وقتی اجسام از ارتفاع بلند به سمت پایین شتاب می گیرند، سقوط رخ می دهد. البته ریال قبلا هم پایین بود و چون از بلندی سقوط نکرده است، نمی شود گفت سقوط!

خبرنگار: درباره حباب قیمت مسکن و اقدامات خودتان کمی توضیح می دهید؟
وزیر راه: حباب قبلا توضیح داده شده؛ به نازک های کروی شکل از آب و صابون که پر از هوا هستند، حباب می گویند و نباید با سوزن به آن دست زد که ما هم اصلا و ابدا دست نزدیم!

خبرنگار: درباره ترافیک توضیح می دهید؟
پلیس راهور: ترافیک یعنی همه هم زمان می خواهند جلو بروند، ولی چون ماشین جلویی، همان جلو ایستاده است، بقیه هم می ایستند و ما هم برای حلش می گوییم: پراید حرکت کن، پراید!

خبرنگار: افت شدید معدل دانش آموزان در امتحانات نهایی را توضیح می دهید؟
وزیر آموزش و پرورش: وقتی مجموع نمرات بر تعداد دروس تقسیم می شود و عدد حاصل کمتر از پارسال می شود، به آن افت معدل می گویند که کاملا بی خطر است، چون بابتش نه استیضاح می شوم، نه بازخواست!

خبرنگار (بعد از حواشی پژمان جمشیدی): جریان را کمی توضیح می دهید؟
پژمان: جریان قبلا در فصل چهارم کتاب علوم تجربی کلاس ششم توضیح داده شده است؛ به حرکت الکترون ها در مدار الکتریکی، جریان می گویند.